



اطاعت فرشتگان و اجنه از امام رضا(ع)/ حکم دوقلو، به هم چسبیده

هیثم می‌گوید وقتی سراغ پیرمرد یک‌چشم را گرفتم و او را نیافتم، امام رضا(ع) فرمود: آن مرد از اجنه بود او پرسید دو نوزاد دوقلو به هم چسبیده به دنیا آمده‌اند که یکی‌شان مرده، با او چه باید کرد؟

هیثم می‌گوید وقتی سراغ پیرمرد یک‌چشم را گرفتم و او را نیافتم، امام رضا(ع) فرمود: آن مرد از اجنه بود او پرسید دو نوزاد دوقلو به هم چسبیده به دنیا آمده‌اند که یکی‌شان مرده، با او چه باید کرد؟ به گزارش خبرگزاری مهر، امام صادق(ع) در تعریف معجزه می‌فرماید: «و المعجزة علامة لله لا يعطيها إلا أنبياءه و رسله و حجة يعرف به صدق الصادق من كذب الكاذب؛ «معجزه» نشانه‌ای از خداوند است که آن را جز به پیامبران و فرستادگان و حجت‌های خود نمی‌دهد، تا به وسیله آن، راستگویی (مدعیان ارتباط با خدا) از دروغگویی (مدعیان دروغین) شناخته شود.» (بحارالانوار، ج ۱۱، ص ۷۱)

بنابراین «معجزه» چند رکن اساسی دارد. یکی اینکه از حدود توانایی نوع بشر خارج است و احدی با اتکای نیروی انسانی نمی‌تواند مانند آن را بیاورد؛ دیگر این کار خارق العاده، فقط با اذن و مشیت الهی صورت می‌گیرد و معمولاً نیز با «تحدی» همراه است؛ یعنی از دیگران دعوت می‌شود اگر می‌توانند مانند آن را بیاورند. بنابراین، درک چگونگی وقوع معجزه خارج از عقل بشر است.

در ادامه دو نمونه از معجزات امام رضا(ع) را مرور می‌کنیم:

اطاعت ملائکه از امام رضا(ع)

دعوات راوندی می‌گوید: امام جواد(ع) فرمود یکی از اصحاب پدرم مریض شد. حضرت رضا به عیادت او رفت و از او پرسید: «چطوری؟» گفت: «بعد از آمدن شما مرگ را به چشم خود دیدم.» (می‌خواست با این جمله دردی را که از شدت بیماری می‌کشید، نشان دهد.) امام فرمود: «مرگ را چگونه دیدی؟» گفت: «سخت و دردناک.» حضرت فرمود: مرگ را ندیدی، آنچه دیدی فقط کاری بود که مرگ در ابتدا با تو می‌کند و بدین وسیله گوشه‌ای از احوال خود را به تو نشان می‌دهد. مردم دو دسته‌اند: کسانی که با مرگ راحت می‌شوند و کسانی که با مرگشان دیگران از دستشان راحت می‌شوند. ایمانت به خدا و ولایت را تجدید کن تا از کسانی باشی که با مرگ راحت می‌شوند.

آن مرد هم همین کار را کرد. آنگاه گفت: «ای پسر رسول خدا! اینان فرشتگان پروردگارند که با درووها و هدایا بر شما سلام می‌کنند. آنها روبروی شما ایستاده‌اند. اجازه بدهید بنشینند.» امام رضا(ع) فرمود: «بنشینید ای فرشتگان پروردگار من!» سپس به مریض فرمود: «از آن‌ها پیرس آیا دستور داشتند که در حضور من بایستند؟» مریض گفت: «از آنها پرسیدم، گفتند اگر همه فرشتگانی که خدا آفریده در محضر شما باشند، برای شما خواهند ایستاد و تا اجازه ندهید نخواهند نشست. خدای بزرگ به آنان چنین دستور فرموده است.» آنگاه مرد چشمانش را بست و گفت: «سلام بر تو ای پسر رسول خدا، این شمايید که در کنار محمد(ص) و امامان پس از او در برابرم ایستاده‌اید.» این را گفت و جان داد.

باب جن ها از امام رضا(ع)

در کتاب گرانسنگ الکافی اثر شیخ کلینی آمده است: محمد بن جحش می‌گوید حکیمه دختر امام موسی کاظم(ع) به من گفت دیدم امام رضا(ع) بر در انبار هیزم ایستاده، آهسته با کسی سخن می‌گوید و من هیچ‌کس را نمی‌بینم. گفتم: «آقای من، با که آهسته سخن می‌گویید؟» فرمود: «ابن عامر زهرایی (از جتیان) است. آمده از من سؤال کند و دردش را به من بگوید.» گفتم: «آقای من! دوست دارم صدایش را بشنوم.» فرمود: «اگر صدایش را بشنوی، یک‌سال تب می‌کنی.» گفتم: «آقای من! دوست دارم بشنوم.» فرمود: «بشنو.» در این حال، من صدایی شبیه سوت شنیدم، تب به سراغم آمد و یک‌سال تب کردم.

در کتاب دلایل الامامه نیز آمده است: هیثم بن واقد گوید در خراسان نزد امام رضا(ع) بودم. عباس، دربان ایشان، بود. امام مرا نزد خود خواند. پیرمردی یک چشمی در حضورش بود و سؤال می‌کرد. پیرمرد خارج شد. امام به من فرمود: «پیرمرد را نزد من برگردان.» پیش دربان رفتم، گفتم: «هیچ‌کس از اینجا بیرون نرفت.» امام رضا(ع) فرمود: «آن پیرمرد را می‌شناسی؟» گفتم: «نه.» فرمود: «او مردی از جن است که سؤال‌هایی از من پرسید و از جمله سؤال‌هایش این بود که دو نوزاد دوقلو به هم چسبیده به دنیا آمده‌اند که یکی‌شان مرده، با او چه باید کرد؟» گفتم: «باید نوزاد مرده را از زنده بُرید و جدا کرد.»

منبع: کتاب مستدرک عوالم‌العلوم، محقق: آیت‌الله سید محمدباقر موحد ابطحي اصفهاني، انتشارات بنیاد بین‌المللی فرهنگی هنری امام رضا(ع)